

ببری که افسانه شد

ده‌ها سال است که دیگر کسی غرش ببر مازندرانی را روی زمین نشنیده است. چون این پستاندار که بزرگ‌ترین عضو خانواده گربه‌سانان بود و در بوته‌زارها و جنگل‌های خزری زندگی می‌کرد، منقرض شده و از میان رفته است. علاوه بر چند عکس قدیمی، تنها اشیاء با مانده از این ببر چند تخته پوست است که در موزه‌ها نگهداری می‌شوند. علت نابودی این گربه‌سان بزرگ نابودی زیستگاه و شکار بوده است.

آخرین ببر مازندرانی

آخرین بار در سال ۱۳۳۷، مردی ترکمن یک ببر مازندرانی را در پارک ملی گلستان مشاهده کرد. او با مراجعه به پاسگاه تفنگی به امانت گرفت و با آن ببر را کشت. از آن پس دیگر هرگز کسی ببر مازندرانی را ندید.

خویشاوند بنگالی

ببر مازندران شباهت زیادی به ببر بنگالی داشت، اما نوارهای روی پوستش به پهنی نوارهای ببر بنگالی نبود. همچنین موهای صورت و زیر شکم ببر مازندرانی بلندتر بود.

شناگر بزرگ

ببر مازندرانی برخلاف دیگر گربه‌سانان به آب علاقه فراوان داشت. از آب‌تنی کردن لذت می‌برد و حتی می‌توانست ده‌ها کیلومتر در آب شنا کند.

ناهار ۴۰ کیلوگرمی

ببر مازندرانی می‌توانست در هر وعده، ۴۰ کیلوگرم گوشت بخورد.

هر گردی گردو نیست

در اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹، سازمان محیط‌زیست ایران دو ببر سیبری را که از لحاظ ژنتیک به ببر مازندرانی نزدیک‌اند، از روسیه به کشور وارد کرد تا نسل ببر مازندرانی را در پناهگاه حیات‌وحش میانکاله زنده کند. اما پس از چندماه ببرها مردند و این کار به ثمر نرسید.



مشخصات ببر مازندرانی

- برخی از ویژگی‌های ببر مازندرانی، که ببر خزری یا ببر هیرکانی هم نام داشت، چنین بود:
- حدود ۳۰۰ کیلوگرم وزن داشت.
- طول سر و تنه و دم آن به حدود ۳۸۰ سانتی‌متر می‌رسید.
- پشت گوش‌های آن سیاه بود، اما لکه سفیدی در میان آن وجود داشت.
- زیر بدنش سفید، اما رنگ پشتش زرد مایل به نارنجی بود.